

# کلام آخر!



\* فیلمهایی در ردیف «پاتک» و «گذرگاه»، واقعیت جنگ را تحریف می کنند، با تحریک احساس جوانها و ترغیب به زد و خورد بی منطق، موجب انحراف آنها می شوند و در عین حال سطح سلیقه‌ی تماشاگر را نیز تنزل می دهند.

فضاسازی و حتی بازیگری آشفته اند که دیدنشان تحمیلی از فولاد را می طلبد و نوشتن درباره شان صبر ایوب می خواهد. نه فقط هیچ گونه ابداع و نوآوری در فیلمهای مذکور نیست که نداشتن قصه و فیلمنامه‌ی جذاب و اصولی و در عوض داشتن نگاه ملتسانه به فیلمهای مشهور جنگی هالیوودی در آنها مشهود و آزاردهنده است.

فیلم «پاتک» همان قصه‌ی «خط آتش» را بازگو می کند و نوع ساخت و بازیها چیزی فراتر از فیلمهای جنگی ضعف درجه‌ی چندم سینمای آمریکا نیست. همین طور فیلم غیرجذاب «گذرگاه» که غلو در عرصه‌ی فضاها و جنگی و ضعف مفرط عملیات رزمی و آرتیست بازیهای چندش آور بازیگران و ... آن را نیز تا مرز ابتذال سوق داده است.

این دو فیلم به دنبال و در راستای تولید فیلمهای «پاتک»، «پایگاه جهنمی»، «بازداشتگاه» و ... تولید شده و از تولیدات خطر آفرین سینما برای تماشاگران و سینمای ضعیف ایران محسوب می شوند، زیرا، واقعیت جنگ را تحریف می کنند، با تحریک احساس جوانها و ترغیب به زد و خورد بی منطق موجب انحراف آنها می شوند و در عین حال و سطح سلیقه‌ی تماشاگر را نیز پایین می آورند.

فیلمهای «پاتک» و «گذرگاه» به اندازه‌ای نقاط مشترک دارند که گویا سازندگان آنها را از روی دست یکدیگر و هردو از روی فیلم دیگری تقلب کرده اند! قصه و فضای فیلم، هنرپیشه‌های مشترک، تعلق به سینمای جنگی هالیوودی، نگاه به گیشه و ... از جمله وجوه مشترک آنها است.

فیلمهای مذکور حتی در سطح بازیگری و جلوه‌های ویژه نیز در حد متوسط نیستند تا بشود درباره شان نوشت. در یک کلام فیلمهایی از این دست آثاری غیرواقعی، غیرجذاب و مسموم کننده اند و ادامه‌ی تولید چنین فیلمهایی باعث سقوط سلیقه‌ی تماشاگر و آفت توانایی - هرچند کم - فیلمسازان می شود. حال که با جابه‌جایی در سطح معاونت سینمایی و مدیران آن حرکتهایی در حال شکل‌گیری است، امیدواریم برای بی در و پیکر بودن تولید فیلم به ویژه فیلم جنگی نیز چاره‌ای اندیشیده شود و جلوی ضرر از همین جا سد گردد.

□ یکی از سیاستهای سینمایی معاونت جدید سینمایی کشور، حمایت از آثار جنگی و سینمای دفاع مقدس است. در خوب بودن این سیاست اصلاً جای هیچ شک و شبهه‌ای نیست، اما در این که این تفکر چگونه عملی نشود

□ بارها درباره‌ی «سینمای دفاع مقدس»، ویژگیها و تفاوتهای آن با «سینمای جنگ» متداول در دنیا گفته و نوشته ایم و ظاهراً به دلیل کم توجهی مسؤولان و اشتیاق روزافزون تولیدکنندگان فیلمهای تجاری به تولید فیلمهای جنگی شبه هالیوودی باید بارها و بارها باز هم بنویسیم که: «سینمای جنگ - دفاع مقدس - مثنی ابزار و ادوات رزمی و آرتیست بازیهای بدون منطق و کودکانه نیست.

بیشتر فیلمسازان جنگی ساز کشور به جای پژوهش و بررسی و شناختن ابعاد گوناگون دفاع مقدس و آدمهای درگیر این جنگ به دلیل باز بودن میدان فعالیت فیلمسازی، نداشتن ذوق و ابتکار و داشتن شامه‌ی قوی کپی سازی، تمام هوششان را در جهت ساختن فیلمهای بی ارزش و گاه ضد ارزش به کار می برند. و با این حرکت علاوه بر این که ناتوانی خودشان را بروز می دهند، به دلیل عدم آگاهی لازم در ترسیم سیمای واقعی جنگ و جبهه باعث خدشه دار شدن حریم مقدس سینمای دفاع مقدس نیز می شوند. بدبختی سینماگران کپی کار فقط در این نیست که کپی می سازند، بلکه در این موضوع مهم نیز است که آنها «راز جذابیت سینما» را نمی دانند؛ به همین دلیل و به خاطر ضعف دانش سینمایی و فقدان شناخت اجتماعی و پیش اعتقادی فیلمهای پدشان غیرقابل تحمل تر از نسخه‌ی اصلی می شود. اینها نمی دانند که اگر در سینمای اروپا و آمریکا و حتی سینمای روسیه وقتی فیلم جنگی تولید می شود، سازندگان دستکم می کوشند با ترفندهای سینمایی جذاب، زمینه‌ی کشش تماشاگر را به این قیل آثار فراهم آورند. و اگر از صحنه‌های نبرد و زد و خورد در فیلمهاشان استفاده می کنند، آنها را آن قدر جذاب و خوش ساخت تدارک می بینند که به لحاظ بصری خوشایندند.

سینمای دفاع مقدس ما علاوه بر این که متعلق به عرصه‌ی گسترده‌ی سینمای جنگ است به دلیل ویژگیهایی مانند: انگیزه‌ی نبرد، نوع نبرد، ابزار نبرد، ویژگیهای روحی و روانی و اهداف رزمندگان و مدافعانش و ... از پایه و اساس با ابعاد دیگر جنگها متفاوت است. و سوداگران سینمایی به جای درک موضوعهای مذکور به صرف علاقه مندی خود و تماشاگر به آثار جنگی و پرزدوخورد، فیلم جنگی می سازند و درصدد فتح گیشه اند!

در چهاردهمین جشنواره‌ی فیلم فجر نمونه‌های زیادی از این قبیل فیلمها را دیدیم که در کنار یکی، دو فیلم قابل تحمل جنگی جا خوش کرده بودند. و اکنون دو فیلم از کاروان فیلمهای بی محتوا و بی ارزش جنگی به نامهای «پاتک» و «گذرگاه» به طور همزمان به اکران سینماها درآمده اند. هردو فیلم به قدری ضعیف، بدساخت و به لحاظ فیلمنامه، ساختار سینمایی،

\* یکی از سیاستهای خوب معاونت جدید سینمایی، «حمایت از آثار جنگی و سینمای دفاع مقدس» است. اما باید توجه داشت که آیا آثاری از قبیل «سلام به انتظار»، «پاتک»، «۷ گذرگاه» و ... نیز در محدوده این سیاستگذاری می‌گنجد یا نه؟

و چه ملاکها و معیارهایی در آن می‌گنجد، جای حرف بسیار است. در همین ارتباط است که این سؤال مطرح می‌شود که آیا آثاری از قبیل «سلام به انتظار»، «پاتک»، «۷ گذرگاه» و ... در محدوده سیاست مذکور می‌گنجد یا نه؟ و اگر ملاک و معیار نسبی برای سینمای دفاع مقدس فیلمهایی مانند: «پرواز در شب»، «دیده بان»، «مهاجر»، «جماسه‌ی مجنون» و... اند، پس جایگاه فیلمهای کپی شده‌ی سینماگران بی‌استعداد و فیلمهای بدون رنگ و بو و بی‌خاصیت آنها که برای دلخوش حتی صحنه‌های جنگی موفقی ندارند، کجاست؟

بدون تردید نباید به‌خاطر حسن نیت و مصلحت‌اندیشی در سینما را به‌روی هرکسی باز گذاشت و همه‌کس را برای تولید فیلم دعوت کرد و آش شاه‌قلمکار پخت. این سیاست غلط را بعضی از مسؤولان اسبق به‌کار بردند و دیدیم که چه بلایی به‌سر سینما آمد و دست‌کم باعث سلطه‌ی تجاری سازان و شیفتگان فیلمفارسی و سرنگونی خودشان از گرسبهای قدرت سینمای کشور شد.

### کلام آخر:

سینمای ایران با تولید انبوه و باری به‌هر جهت هرگز به‌سازمان نمی‌رسد و بی‌خاصیتی این تفکر سوداگرانه که «با تولید انبوه از نوع فیلمهایی با مخاطب انبوه» می‌شود، «صنعت سینمای ایران» را احیا کرد، بارها در لابه‌لای چرخ‌دنده‌های تاریخ سینمای ما به‌اثبات رسیده است.

سینما باید فکر و ایده بدهد، طراحی کند، در اجرا مشارکت نماید، حمایت کند و سرانجام باید انتخاب کند و بهترینها را برای تولید و نمایش برگزیند. مسؤولان سینمایی باید با دقت در احوال پیشینیان سینما و نوع سیاستهای کجدار و مریزی که داشتند و عبرت‌آموزی از انحصارگراییها، تندروییها، ماشاقتها، امتیازدادهای دروغین و ... آنها، طرحی نو دراندازند و گر نه گشتن در به‌همان پاشنه‌ی پیشین کشتی شکسته‌ی سینمای ما را به‌گیل خواهد نشانند. ■

\* در فیلمهای «پاتک» و «۷ گذرگاه» نگاه ملت‌مانده به فیلمهای جنگی هالیوودی بسیار چشمگیر و آزاردهنده است.

